

عنوان مقاله:

استفاده مجمل فصیحی از چهارمقاله (اثبات ترامنتیت بین این دو اثر)

محل انتشار:

مجله نثر پژوهی ادب فارسی، دوره 25، شماره 51 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسندگان:

محمد رعنائی - دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

زهرا اختیاری - زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، فردوسی مشهد، مشهد، ایران

خلاصه مقاله:

فصیح خوافی (۷۷۷-۸۴۵ ه.ق) کتاب مجمل فصیحی را در قرن نهم هجری نگاشت، غالباً هر اثری بهنوعی با آثار قبل و بعد از خودش در ارتباط است. آگاهی از مآخذ یک اثر به شناخت هر چه بهتر آن کمک میکند. یکی از راههای شناخت محتوا، ساختار و جایگاه یک اثر، پی بردن به میزان و چگونگی ارتباط آن با آثار قبل از خودش است. ترامنتیت نظریهای است که به انواع ارتباط بین متون با یکدیگر میپردازد. فصیح خوافی در بسیاری از موارد به منظور جلوگیری از اطاله کلام از ذکر منبع خودداری نموده؛ از جمله روایتهای وفات اسکافی و عصیان ماکان کاکوی که در شمار حوادث سال ۳۸۶ ه.ق بیان شدهاند. سوال پژوهش یافتن منبع خوافی در این دو حکایت و اثبات آن است. با تعمق در دو کتاب چهارمقاله و مجمل فصیحی و بررسی و مقایسه آن دو از نظر شباهتهای بینامتنی، مشخص گردید که سه حکایت چهارمقاله در مجمل فصیحی نیز ذکر شدهاند. وجود اشتباهات تاریخی مشترک، عبارتهای مشابه و جزئیات مشترک بین دو روایت مجمل فصیحی در ذکر حوادث سال ۳۸۶ ه.ق و حکایتهای اول و دوم مقاله اول چهارمقاله، همچنین پیرامنتیت موجود در ماجرای پیشگویی خیام در مجمل فصیحی با حکایت هفتم از مقاله سوم چهارمقاله اثبات مینماید. چهارمقاله که در قرن ششم هجری توسط نظامی عروضی نوشته شده، منبع فصیح خوافی در نگارش روایتهایی است که در ذکر حوادث سال ۳۸۶ ه.ق در مورد اسکافی و ماکان آورده است.

کلمات کلیدی:

مجله فصیحی، چهارمقاله، ترامنتیت، اشتراکات

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1553845>

